



برنامه‌ریزی با اولیا

صفرعلی یازلو



دانشجوی دکتری برنامه‌ریزی درسی

مدیر مدرسه به‌عنوان نماینده دولت و حاکمیت باید بتواند از ظرفیت‌های عوامل سهیم در تربیت به‌صورت بهینه استفاده کند تا اهداف متعالی در نظر گرفته‌شده را محقق کند یا در راستای تحقق آن‌ها گام بردارد. اما چگونگی این کار به قوانین و بستری لازم در مشارکت عوامل سهیم وابسته است. با مراجعه به اسناد مرتبط با نظام تعلیم و تربیت، به‌خصوص میانی نظری سند تحول بنیادین، درمی‌یابیم که خانواده به‌عنوان یکی از عوامل سهیم در تربیت، بلکه مهم‌ترین عامل آن، قلمداد شده است.

چنان‌که **مظاهری (۱۳۹۶)** هم در پژوهش خود بر آن تأکید و بیان می‌کند: اثرگذاری خانواده و نقش کلیدی آن در تربیت دانش‌آموزان از گذشته تاکنون مطرح بوده است، ولی در اسناد تحول بنیادین آموزش و پرورش (سند تحول، میانی نظری و

مدرسه به‌عنوان واحد اجرایی و عملیاتی نظام آموزشی کشور، مکانی است که تعلیم و تربیت رسمی در آن جریان دارد. پس نیازمند برنامه‌ریزی عملیاتی برای هر سال تحصیلی است. اگر بخواهیم گروه‌های ذی‌مدخل در تربیت را برشماریم، از حوصله این بحث خارج خواهد بود. بنابراین، صرفاً به عوامل سهیم در تربیت که در سند تحول بنیادین آموزش و پرورش آمده‌اند، اشاره می‌کنیم که هم مستند باشد و هم از حوصله بحث خارج نشود.

عوامل سهیم در تربیت

عوامل اصلی جریان تربیت در اجتماع عبارت‌اند از: مدرسه، خانواده، رسانه، مسجد و دیگر نهادهای فرهنگی.

برنامه درسی ملی) بر این مؤلفه اساسی تأکید مضاعفی شده است. چنان که در تبیین تعریف تربیت آمده است: «تحقق شایسته تربیت، مستلزم مشارکت فعال تمامی عوامل اجتماعی سهمیم و مؤثر در آن، به ویژه پشتیبانی مؤثر عناصر اصلی اجتماع و ارکان این فرایند (شامل خانواده، دولت و رسانه) در دوران معاصر است (مبانی نظری سند تحول بنیادین، ۱۳۹۰: ۱۳۹). همچنین، در تأکید بر مشارکت خانواده در تعلیم و تربیت فرزندان آن‌ها آمده است «خانواده نه تنها در پشتیبانی و اجرای طرح‌های تربیتی، بلکه در سیاست‌گذاری، برنامه‌ریزی و به خصوص ارزشیابی از برنامه‌ها و اقدامات فرایند تربیت باید مشارکت فعال داشته باشد». بنابراین، مشارکت والدین در فرایند تربیت (در همه انواع آن) هم حق و هم تکلیف آنهاست و دولت اسلامی موظف است در استیفای این حق و کمک به ادای این تکلیف بکوشد و سازوکارهای ضروری آن را فراهم آورد.

نتایج پژوهشی با عنوان «نقش خانواده در فرایند برنامه‌ریزی درسی از منظر اسناد تحولی» نشان می‌دهد بیش از ۷۰ گزاره در ضرورت مشارکت خانواده در برنامه‌های درسی (طراحی، تدوین، اجرا و ارزشیابی) و همچنین همراهی در مدیریت و راهبری مدرسه بیان شده‌اند (مظاهری، ۱۳۹۶). بر پایه همین گزاره‌ها، خانواده به عنوان یکی از عناصر اصلی برنامه درسی در دوره ابتدایی مطرح شده که به تأیید صاحب‌نظران نیز رسیده است.

بنابراین، اثربخش بودن رابطه خانواده و مدرسه بر کسی پوشیده نیست، اما این رابطه نیازمند تقویت و بسترسازی است. از منظر اسناد، دلایل ایجابی این ارتباط وجود دارد و بستر حضور خانواده‌ها در تربیت مهیاست، چنان که در بخش «مدرسه در افق چشم‌انداز ۱۴۰۴» بر «کانون تربیت محله» بودن مدرسه تأکید شده است و مدرسه را «برخوردار از قدرت تصمیم‌گیری و برنامه‌ریزی در حوزه‌های عملیاتی در چارچوب سیاست‌های محلی، منطقه‌ای و ملی» می‌داند (سند تحول بنیادین، ۱۳۹۰: ۱۸).

همچنین، بر اتکای مدرسه بر ارکان تعلیم و تربیت و بهره‌مند از ظرفیت عوامل سهمیم و مؤثر و مبتنی بر مشارکت ذینفعان، با تأکید بر مربیان، دانش‌آموزان و خانواده تأکید می‌کند (همان، ص ۱۹).

چنان که در موارد پیش گفته عنوان شد، مدرسه می‌تواند از ظرفیت خانواده بهره‌مند شود. این بهره‌مندی صرفاً در امور مالی و مادی نیست، بلکه در طراحی‌های آموزشی و برنامه‌ریزی‌های درسی و اجرایی هم باید نقش مؤثر والدین به‌وضوح مشاهده شود.

اما برنامه‌ریزی نیازمند داشتن اطلاعات کافی از وضعیت موجود است؛ یعنی براساس معیارهای مشخصی باید وضعیت

موجود مدرسه تبیین شود و پس از تعیین نقطه هدف یا وضعیت مطلوب، برنامه لازم برای ترمیم فاصله بین دو وضعیت موجود و مطلوب، تدوین و اجرایی شود.

مدیر مدرسه به‌عنوان راهبر آموزشی و تربیتی باید با تشکیل تیم برنامه‌ریزی که نمونه بارزی از مجموعه ذینفعان و ارکان سهیم در تربیت هستند، هوشمندی خود را در راهبری و برنامه‌ریزی آموزشی مدرسه نشان دهد و با استفاده از ظرفیت این عوامل، برنامه سالانه مدرسه خویش را تدوین کند و به اجرا درآورد و برای هر یک از عوامل نیز با مشارکت خود آنان، نقش‌ها و وظایفی تعیین کند.

بنابر آنچه گفته شد، می‌توان چنین نتیجه گرفت:

□ قوانین و اسناد بالادستی آموزش و پرورش، مشارکت والدین را در برنامه‌ریزی مجاز دانسته و بر آن تأکید کرده است.

□ خانواده مهم‌ترین سهام‌دار تربیت و مؤثرترین بال حرکت به‌سوی اهداف تربیتی است و سخاوتمندانه ظرفیت خود را در اختیار آموزش و پرورش قرار می‌دهد، چون از فایده تربیت صحیح بهره‌مند خواهد شد.

□ برنامه ویژه مدرسه (بوم) نیز برنامه‌ای است که با اعتماد به صلاحیت و توان مدرسه، مجوز برنامه‌ریزی درسی، اجرا و ارزشیابی حجم معینی از زمان رسمی آموزش را به مدرسه واگذار می‌کند.

□ مدرسه نقطه اتکای دولت و ملت و کانون تربیت محله و دارای ویژگی مشارکت‌پذیری است. بنابراین می‌تواند با ایجاد بسترهای مشارکت صحیح خانواده، در حدود انتظارات و اختیارات گام‌های مؤثری بردارد.

پس اگر خانواده و مدرسه با هم‌افزایی و هم‌اندیشی برای تدوین برنامه‌های سالانه اقدام کنند، توفیق حداکثری حاصل خواهد شد.

* منابع

۱. سند تحول بنیادین آموزش و پرورش (۱۳۹۰). شورای عالی آموزش و پرورش. تهران.
۲. مبانی نظری تحول بنیادین در نظام تعلیم و تربیت رسمی و عمومی (۱۳۹۰). با مشارکت شورای عالی آموزش و پرورش.
۳. برنامه درسی ملی جمهوری اسلامی ایران (۱۳۹۱). سازمان پژوهش و برنامه‌ریزی آموزشی. تهران
۴. مظاهری، حسن و دیگران (۱۳۹۶). نقش خانواده در برنامه درسی شایستگی محور دوره ابتدایی از منظر اسناد تحول بنیادین آموزش و پرورش. فصلنامه خانواده و پژوهش. سال چهاردهم. ش ۱.
۵. میچل، دیوید (۱۳۸۸). نقش و جایگاه خانواده در آموزش و پرورش فراگیر، ترجمه آناهیتا خضری. تعلیم و تربیت استثنایی. شماره ۹۸، صص ۱۱۹-۱۲۳
6. Mitchell, D. (2008). What Really Works in Special & Inclusive Education? Chapter 5. pp:68-73